



تلفیق یا تفکیک؛ مسئله این است

پای صحبت دست اندرکاران درس «دینی و قرآن»

اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران

رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی / مهدی مروجی

اشاره

دوباره به تفکیک آن دو تمایل دارند. با توجه به مسئولیت شما در اداره آموزش و پرورش شهر تهران که لازم است با تمام دبیران درس دینی و قرآن مرتبط باشید، برآوردتان از سرانجام این درس چیست؟ به نظر شما آیا رفع نارسایی‌ها و نقص‌های احتمالی آن کفایت می‌کند و بهتر است تدریس این درس به صورت تلفیقی ادامه یابد یا تفکیک دینی و قرآن از هم را بهتر می‌دانید؟

زرلکی: چند سالی است که مجدداً زمزمه‌هایی درباره جدایی درس‌های دینی و قرآن شنیده می‌شود. اوایل نقل قول‌ها خیلی مبهم بود. روشن نبود تفکیک چگونه صورت می‌گیرد. آیا دینی و قرآن مانند دوره قبل از هم جدا می‌شوند و هر درس یک کتاب مستقل خواهد داشت یا خیر؟

با توجه به صحبت‌هایی که با بسیاری همکاران در مدارس کردیم، به این نتیجه رسیدیم که اول باید روشن شود منظور از جدایی و تفکیک چیست. آیا می‌خواهند به روش قبل از تلفیق برگردند، یعنی کتاب قرآن و کتاب دینی جدا از هم باشند یا کتابی مثل کتاب کنونی دوره راهنمایی تألیف می‌کنند؟

مجلسه رشد آموزش قرآن از یک سو باید انتقادهای، پیشنهادهای و مسائل و مشکلات آموزشی معلم‌ها را به گوش برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی برساند و از دیگر سو با آنان به گفت‌وگو بنشیند و موضع مسئولان را به اطلاع همکاران برساند.

این بار پای صحبت دست‌اندرکاران درس «دینی و قرآن» در اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران نشستیم تا نظرشان را درباره مسائل این درس بشنویم. آنان علاوه بر پاسخ دادن به پرسش‌های ما انتظارشان را از مجله رشد آموزش قرآن مطرح کردند. حاصل این گفت‌وگو در پی می‌آید.

قاسم زرلکی (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث) شش سال است این مسئولیت را به عهده دارد. وی به همراه همکارانش خانم‌ها بنفشه عمویی، سیما کمالی و زهرا شیری در این گفت‌وگو حضور یافت.

● اکنون دیدگاه‌های متفاوتی درباره دوره تفکیک و دوره تلفیق درس‌های قرآن و دینی مطرح است. به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران تدوین و تألیف و برنامه‌ریزی این درس،

قرآن با توجه به کتاب‌های تلفیقی جدید تا حدی مهجور مانده است؛ زیرا به تدبیر در آیات و فهم آن‌ها و نیز به روخوانی بها داده نمی‌شود. علت هم دارد، معلم فرصت نمی‌کند و به ناچار به محتوای اصلی کتاب می‌پردازد و از قرآن سریع می‌گذرد.

بارها این مشکل را با گروه دینی در میان گذاشته‌ایم. ایشان می‌گویند کارهایی که دبیران می‌خواهند در دوره متوسطه انجام دهند، در دوره راهنمایی انجام شده است. یعنی دانش‌آموزان تلفظ حروف، تجوید و قرائت را در دوره راهنمایی آموخته‌اند و با این اطلاعات به دوره متوسطه آمده‌اند.

● **ظاهر آ حرف گروه دینی این است که در دوره متوسطه باید به ترجمه آیات و تدبیر در آیات پرداخت.**

زرلکی: قبول دارم که برنامه درسی دوره متوسطه کار روی ترجمه و تدبیر در آیات است اما دانش‌آموزان در خواندن قرآن ضعف دارند و معلم ناچار است دغدغه قرائت و تلفظ حروف را داشته باشد. این کار هم وقت می‌خواهد. اگر بدان بپردازد، وقت کلاس گرفته می‌شود و او نمی‌تواند کتاب درسی را در موعد مقرر تمام کند. در حالی که امتحان از کل کتاب گرفته می‌شود و معلم باید به محتوای اصلی کتاب بپردازد و به‌طور طبیعی به روخوانی آیات نمی‌پردازد. اگر تدبیر در آیات، پاسخ‌گویی به پیام‌هایی که بعد از آیات آمده و نیز ترجمه آیات به دانش‌آموزان واگذار شود، باز معلم باید وقت زیادی را در کلاس صرف این کار کند. در مجموع، معلم به سمتی سوق داده می‌شود که شتاب در تدریس قهری است. بنده در کلاس دانش‌آموزانم را گروه‌بندی کردم تا شاید پیشرفتی در کار و صرفه‌جویی در وقت داشته باشم اما در اواخر سال کمبود وقت خود را به رخ کشید و مجبور شدیم از برخی مفاد درسی چشم‌پوشیم.

● **آقای زرلکی، معلم باید وقت را هم مدیریت کند!**

زرلکی: درست است. بعضی از ما در مدیریت کلاس ضعف داریم؛ خصوصاً در مدیریت زمان و نوشتن طرح درس. بنده چندسالی است که در دوره ضمن خدمت کلاس دارم. وقتی به معلم می‌گویم طرح درس بنویس و بیاور، انگار دنیا را روی سرش خراب کرده‌اند. معلوم می‌شود این معلم در مدیریت ضعیف است و بدون طرح درس به کلاس می‌رود. به هر حال، خوب است که کتاب قرآن مستقلی در کنار کتاب

دینی و قرآن در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرد، به شرط اینکه ساعت تدریس را هم در نظر بگیرند. فرقی نمی‌کند این کتاب را معلم دینی تدریس کند یا برای آن معلم خاصی تعیین شود. غرض پرداختن به روخوانی و محتوای قرآن است.

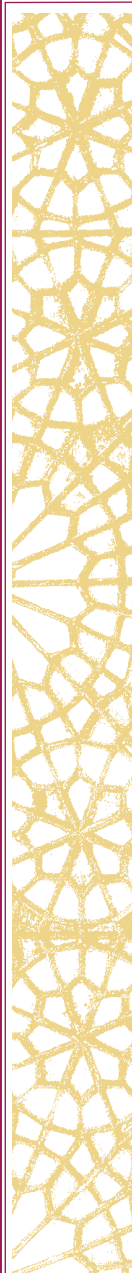
● **دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش درست می‌گویند که**

دوره متوسطه پله آخر و نهایی آموزش مدرسه‌ای است. آنان نردبان آموزشی را از پله اول دبستان تا آخرین پله، سال آخر متوسطه، ساخته‌اند و برای هر پله هم برنامه درسی و ساعت تدریس لحاظ کرده‌اند. ضعف‌های هر دوره هم به مجموعه‌ای از عوامل شامل برنامه‌ریز، مؤلف، کتاب و معلم تا دانش‌آموز هر دوره تحصیلی برمی‌گردد. به همین دلیل، برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب دوره متوسطه حق دارند به‌خاطر نارسایی‌های آموزشی دوره‌های قبل، برنامه خود را مسکوت نگذارند. باید از عوامل مدیریت و مجری دوره‌های قبل خواست که نارسایی‌های موجود در آموزش از جمله روخوانی قرآن را رفع کنند تا در دوره‌های بالاتر بخشی از نظام آموزشی دچار افت و مشکل نشود و هر بخش به وظیفه خودش برسد. البته هر برنامه‌ای با درصدی ضعف همراه است که طبیعی است، اما این ضعف و نقصان نباید به حدی باشد که تمام عوامل اجرایی را درگیر و انرژی آن‌ها را تلف کند.

زرلکی: اگر معلم بخواهد بخشی از مشکل دوره‌های قبل را به دوش بکشد، حق وی است که بگوید وقت این کار را ندارم. در این صورت، آیا درست است بگوییم او نمی‌تواند کلاس درس را مدیریت کند و مدیریت زمان ندارد؟

این مسئله شاید در مورد تمام معلمان به مدیریت زمان مربوط نباشد. تا آن حد که ما با دبیران گفت‌وگو کرده‌ایم، اکثر قریب به اتفاق آنان بر این باورند که حجم کتاب درسی نسبت به زمان آموزش و تدریس خیلی زیاد است. ضمن اینکه عده‌ای هم می‌گویند حجم درس‌های کتاب کم است، اما محتوای درس‌ها طوری تدوین شده‌اند که دانش‌آموز زود به درک مطلب نایل نمی‌شود. لذا معلم ناچار است به زبان‌ها و از زوایای متفاوت به تشریح موضوع درس بپردازد و به فرصت بیشتری نیاز دارد تا دانش‌آموز محتوای آن را فهم کند.

قرآن با توجه به کتاب‌های تلفیقی جدید تا حدی مهجور مانده است؛ زیرا به تدبیر در آیات و فهم آن‌ها و نیز به روخوانی بها داده نمی‌شود. علت هم دارد، معلم فرصت نمی‌کند و به ناچار به محتوای اصلی کتاب می‌پردازد و از قرآن سریع می‌گذرد.





به‌ویژه حجم کتاب دینی و قرآن برای دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای زیاد است و آنان از این درس استقبال نمی‌کنند.

عمومی: به‌نظم ساعت درس دینی و قرآن با محتوای کتاب متناسب است، اما مشکل اصلی ما در پایه‌های دوم و سوم، بحث‌هایی است که بچه‌ها به میان می‌کشند. شیوه تدوین مباحث کتاب به‌گونه‌ای است که برای دانش‌آموزان سؤال‌های حاشیه‌ای مطرح می‌شود. به اعتقاد من مباحث کتاب برای بچه‌ها هم جالب توجه و هم سؤال‌برانگیز است. آنان می‌خواهند درباره آنچه در درس مطرح است، بیشتر بدانند.

اما درباره مدیریت، باید بگویم که هنر مدیریت اداره کلاس و زمان آموزش را بیشتر همکاران دارند اما همین حواشی، وقت لازم برای پرداختن به روخوانی، تلفظ حروف و تدبر در آیات را از ما می‌گیرد.

کمالی: اهدافی که برای تحقق موضوع‌های درسی کتاب در نظر گرفته می‌شود، باید با مدت زمان آموزشی متناسب باشد. اما متأسفانه مؤلفان محترم به این مسئله توجهی نداشته‌اند و زمانی را برای پرسش دانش‌آموز و پاسخ معلم لحاظ نکرده‌اند.

حجم کتاب در پایه اول متوسطه کمتر است و چهار ساعت برای تدریس آن در نظر گرفته‌اند. فعالیت ذهنی دانش‌آموزان پایه اول از دانش‌آموزان پایه‌های دوم سوم کمتر است. دانش‌آموزان پایه‌های اخیر بیشتر با مسائل اجتماعی و امور دیگر درگیرند، اما حجم کتاب درسی‌شان بیشتر و زمان آموزش‌شان نیز یک ساعت کمتر است. در پایه چهارم این زمان به دو ساعت کاهش می‌یابد و عملاً در هفته ۹۰ دقیقه بیشتر نیست. با این وضعیت، معلم هرچه تلاش کند از پس مدیریت زمان بر نمی‌آید و نمی‌تواند به هدف مقرر از آموزش کتاب دست یابد.

● خانم کمالی درست می‌گویند که باید

برای پرسش و پاسخ در کلاس زمانی را در نظر گرفت؛ زیرا دانش‌آموزان دوره متوسطه در موقعیتی از زندگی و شرایط سنی قرار دارند که کنجکاوند. هم می‌خواهند بدانند و هم با انبوه اطلاعات متفاوت و حتی متناقض در این زمانه

هنر مدیریت اداره کلاس و زمان آموزش را بیشتر همکاران دارند اما همین حواشی، وقت لازم برای پرداختن به روخوانی، تلفظ حروف و تدبر در آیات را از ما می‌گیرد

مواجه‌اند. گاهی دچار ابهام و سرگردانی می‌شوند و ممکن است ابهام یا پرسش خود را در قالب شبهه با معلم در میان بگذارند. پرداختن معلم به این موارد زمان می‌خواهد که برنامه‌ریزی نشده است. بی‌توجهی به این مهم برای دانش‌آموز پیامدهای روحی و روانی ناگواری دارد. این واقعیت مقدری است که باید برای آن اندیشید و به‌صورت مفید و مثبت با آن روبه‌رو شد. وظیفه اول را برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب دارند و دبیران محترم هم باید در این زمینه پافشاری کنند تا چاره و راه‌حلی پیدا شود. ما هم در مجله رشد آموزش قرآن وظیفه انعکاس تمام نظرها و تدابیر پیشنهادی را برای بیرون رفتن از این وضعیت داریم و بدان عمل خواهیم کرد.

زرلکی: سال‌ها پیش معلم درس دینی در دوره راهنمایی و در خارج از ساعت مقرر هم مدرس قرآن بودم. دانش‌آموزان هم به فراگیری قرآن علاقه نشان می‌دادند. در جای مناسبی «جمع قرآنی» تشکیل می‌دادیم، من قرآن می‌خواندم و بچه‌ها تکرار می‌کردند. آموزش تجوید و نغمه‌های قرآنی هم در برنامه کار قرار داشت. جمع معنوی و مفیدی بود. الان این نوع برنامه‌ها خیلی کم‌رنگ شده‌اند. اگر بتوانیم در دوره متوسطه این برنامه‌ها را احیا کنیم و رواج بدهیم، انس دانش‌آموزان با قرآن بیشتر می‌شود.

اکنون دانش‌آموز آیات کتاب را فقط در کلاس از زبان معلم می‌شنود و تا جلسه بعد به آن نگاه نمی‌کند. معنی این حرف من بیگانگی دانش‌آموز از قرآن است. آیا باید علت این مسئله را در فرهنگ خانواده یافت یا ما در مدرسه به وظیفه خودمان عمل نمی‌کنیم؟ نمی‌توان انکار کرد که بخشی از ضعف‌های موجود به نظام آموزشی برمی‌گردد که باید به‌دنبال راه‌حلی برای رفع آن‌ها بود.

می‌گویند تدریس باید در حیطه شناخت، حیطه عاطفی و حیطه عمل باشد. اکنون فقط به حیطه شناخت اهمیت می‌دهیم و نظریه‌پردازی می‌کنیم؛ طوری که دانش‌آموزان مخزن اطلاعات می‌شوند، اما به حوزه عاطفی و ایجاد انگیزه خیلی کم توجه می‌شود. دانش‌آموز باید مجذوب معلم دینی و قرآن بشود و نگذارد او راحت از کلاس درس بیرون برود. این وضع نشانگر تأثیر معلم بر شاگرد است. اگر قرار باشد کتاب قرآن مستقلاً تألیف کنند، باید این کتاب بخشی از نیازهای عاطفی و روحی دانش‌آموزان را رفع کند.

شیرازی: آیا مدارس قرآنی موجود نمی‌توانند جان‌نشین

مجموع قرآنی قبلی شوند؟

زرلکی: از کار مدارس قرآنی اطلاعی ندارم و نمی‌دانم می‌توانند به نیازها جواب بدهند یا خیر!

کمالی: بنده اطلاعاتی از مدارس قرآنی منطقه خودم دارم و می‌دانم درصد بسیار کمی از دانش‌آموزان به این مدارس می‌روند؛ آن هم بچه‌های خانواده‌هایی که کاملاً به نیاز مذهبی فرزندان‌شان توجه دارند. برخی از بچه‌ها هم به هوای اردوها جذب این مدارس می‌شوند.

عمومی: چون مدارس قرآنی در غیر ساعات درسی دایرند، خانواده‌ها برای بردن و آوردن بچه‌ها مشکل دارند.

زرلکی: خوب است به این مورد اشاره کنم؛ کسانی که برای تدریس کتاب دینی و قرآن انتخاب می‌شوند، باید از نظر شخصیتی، نوع مدرک تحصیلی و میزان اطلاعات مورد ارزیابی قرار گیرند و در صورت دارا بودن شرایط لازم، اجازه تدریس به آن‌ها داده شود. متأسفانه در حال حاضر چنین کاری صورت نمی‌گیرد. ما خیلی تلاش کردیم که از طریق اداره کل بتوانیم چنین تفکری را عملی کنیم، اما متأسفانه این اجازه را به گروه دینی و قرآن شهر تهران و دیگر گروه‌ها در مناطق ندادند تا بتوان نظارتی روی کار دبیر دینی و قرآن داشت و تدبیری اندیشید که وی در مواقع لازم جوابگوی عملکردش باشد. افرادی که صلاحیت تدریس این درس را ندارند، بهتر است درسی را که در آن تخصص دارند، تدریس کنند. این به نفع دانش‌آموزان هم هست.

شیرازی: باید از این طرح آموزش و پرورش انتقاد کنم که اعلام کرد معلمان می‌توانند با ۲۵ سال سابقه بازنشسته شوند. زمانی که این طرح اجرا شد، در منطقه ما بسیاری از معلمان خوب و باتجربه بازنشسته شدند و رفتند. آن وقت به مسئول کارگزینی گفتم این کار را نکنید؛ زیرا برای این معلمان کلی هزینه شده است تا به این درجه از مهارت در تدریس رسیده‌اند. این افراد دلسوزند و وقتی به آسانی آنان را بازنشسته می‌کنید، ما کسانی را نداریم که جایگزین آنان بشوند! با طرح بازنشستگی بیش از موعد، بسیاری از معلمان دلسوز و باتجربه و کاربلد رفتند.

● اجازه بفرمایید پرسشی را مطرح کنیم که شما با عنایت به ارتباط با معلمان و دانش‌آموزان می‌توانید پاسخ آن را بدهید. می‌گویند حجم کتاب دینی و قرآن سال سوم برای دانش‌آموزان رشته‌های فنی و حرفه‌ای مناسب نیست و این

سبب افت آموزشی شده است. آیا این موضوع را تأیید می‌کنید.

عمومی: در آبان‌ماه سال ۹۰ من و خانم شیرازی پرسش‌نامه‌هایی را تهیه و بین دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای پنج منطقه توزیع کردیم. هدف از تدارک این پرسش‌نامه، آسیب‌شناسی درس دینی و قرآن در این مدارس بود. زیرا از قبل در جریان بخشی از مسائل و مشکلات قرار گرفته بودیم. پاسخ‌های دانش‌آموزان اطلاعات ما را بیشتر و کامل‌تر کرد.

با توجه به اینکه بیشتر دانش‌آموزان با معدل‌های پایین به رشته فنی و حرفه‌ای می‌آیند، حجم کتاب دینی و قرآن متناسب با این رشته و علایق آن‌ها نیست و کتاب برایشان خیلی زیاد و سنگین است. این دانش‌آموزان در یادگیری دروس عمومی مشکل دارند.

مشکل بعدی ادغام دانش‌آموزان رشته‌های گوناگون در مدارس فنی و حرفه‌ای در درس‌های عمومی است. علت این کار را کمبود جا و وقت اعلام می‌کنند. به این ترتیب، تعداد زیادی دانش‌آموز در یک کلاس جمع می‌شود و این کار آموزش را سخت می‌کند.

از آنجا که گاهی بعضی مدارس روزهای اول هفته را به درس‌های تخصصی اختصاص می‌دهند و برای درس‌های عمومی (دینی و قرآن، ادبیات، زبان و عربی) روزهای پایانی هفته را در نظر می‌گیرند، قدرت یادگیری دانش‌آموزان هم در این درس‌ها پایین می‌آید؛ زیرا در روزهای اول هفته آمادگی برای یادگیری بیشتر است.

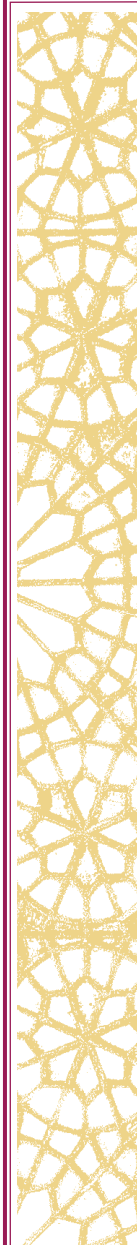
این سه مورد مشکل عام در درس‌های عمومی است اما درس دینی و قرآن مشکل ویژه خود را هم دارد و این مشکل کار را برای دبیران این درس سخت می‌کند؛ زیرا این درس جزو برنامه‌های امتحان نهایی است.

با استناد به نتایج نظرخواهی آسیب‌شناسانه از مدارس فنی و حرفه‌ای مناطق ۵، ۱۱، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ راه‌حل‌های پیشنهادی خود را مطرح می‌کنیم.

الف) حجم کتاب دینی و قرآن برای دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای کاهش می‌یابد.

ب) این درس هم مثل درس‌های عمومی دیگر از امتحان نهایی حذف شود. برای رشته کارودانش این درس در

مشکل بعدی ادغام دانش‌آموزان رشته‌های گوناگون در مدارس فنی و حرفه‌ای در درس‌های عمومی است. علت این کار را کمبود جا و وقت اعلام می‌کنند. به این ترتیب، تعداد زیادی دانش‌آموز در یک کلاس جمع می‌شود و این کار آموزش را سخت می‌کند



طرح سؤال و پاسخ گویی در مجله وقتی مفید است که شمارگان مجله را افزایش بدهید تا به دست تعداد بیشتری از همکاران برسد و آنان بتوانند از محتوای مجله استفاده کنند. شمارگان کنونی مجله خیلی کم است. باید برای هر مدرسه حداقل یک نسخه از مجله ارسال شود تا به تحقق هدف مجله کمک کند

فهرست درس‌های امتحان نهایی نیست. افت تحصیلی در این مدارس چشمگیر و میانگین نمره‌های دانش‌آموزان در پنج منطقه مورد نظر خیلی کم است. نمره‌های زیر ده هم دارند. اکثر بچه‌ها در پرسش‌نامه نوشته‌اند که حجم کتاب برای آن‌ها خیلی زیاد است و از عهده‌فراگیری آن بر نمی‌آیند اما جالب است که عده‌ای از همین دانش‌آموزان نوشته و تأکید کرده‌اند که به احکام خیلی نیاز دارند.

همین‌جا نکته‌ای را که قبلاً درباره‌ی مزیت جدایی کتاب دینی از کتاب قرآن نگفته بودم، اضافه کنم. اکنون کلاس‌های دانش‌افزایی به درس دینی منحصر شده‌اند. اگر کتاب قرآن جدا باشد، برای این درس هم کلاس‌های دانش‌افزایی تشکیل خواهد شد. در چنین کلاس‌هایی خوشبختانه اکثر معلمان دینی شرکت می‌کنند و این تعهد را هم دارند که یافته‌های خود را هنگام تدریس به دانش‌آموزان انتقال بدهند. اگر این‌طور عمل شود، اهمیت درس قرآن افزایش می‌یابد.

شیرازی: کتاب‌های دینی دوره تفکیک برای جواب دادن شبهه‌ها بهتر بودند و کتاب‌های دینی کنونی امکان تنوع روش تدریس را برای معلم فراهم کرده‌اند؛ زیرا قادریم به شیوه‌های گوناگون تدریس کنیم.

● **حال برسیم به مجله رشد آموزش قرآن.** می‌دانید که در برنامه درسی ملی، کتاب به‌عنوان یکی از اجزای بسته آموزشی تعریف شده است. مجله هم در صدد است در هندسه بسته آموزشی نقش آفرینی کند. از جمله می‌خواهد صفحه‌ای را به پرسش‌های دانش‌آموزان از دبیران اختصاص دهد و همان‌جا نیز پاسخ‌ها را بیاورد. اگر درباره‌ی چگونگی این طرح نظری دارید، بفرمایید.

کمالی: مجله با همکاران معلم گفت‌وگو و نظر آنان را منتشر می‌کند. اما آیا با مسئولان هم گفت‌وگو دارد و مسائل مبتلابه معلمان را با آنان در میان می‌گذارد تا ما از نظرها و جواب‌هایشان مطلع شویم؟ تنها رساندن انتقادات و پیشنهادهای به گوش مدیران کفایت نمی‌کند. مجله باید پلی ارتباطی ایجاد کند تا کارکرد آن عمومی‌تر و قوی‌تر شود.

● **این از اصول کاری مجله است.** ما به سراغ مدیران هم می‌رویم تا نظرشان را درباره‌ی آنچه شما «انتقادات و

پیشنهادها» نامیدید، منعکس کنیم. البته باید اعتراف کرد که نشستن پای صحبت برخی از مدیران به راحتی نشستن پای گفتار دبیران محترم نیست. در هر حال مجله همواره می‌کوشد تا آرای دبیران را نیز به‌طور مستقیم با دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان در میان بگذارد و نظرشان را به همکاران معلم برساند. مجله رشد آموزش قرآن سفیر دانش‌آموزان و معلمان به حساب می‌آید و ما این کار را تکلیف خود می‌دانیم.

شیرازی: اگر بخواهیم برای دویست نفر از معلمان منطقه همایشی برگزار کنیم یا کارگاهی را سازمان بدهیم، آیا مجله رشد آموزش قرآن این توانایی را دارد که برای مثال مکانی را برای این منظور در اختیار ما بگذارد؟ زیرا ما مشکل جا و تأمین هزینه استاد را داریم. به‌طور کلی در این مواقع آیا می‌تواند کمکی بکند؟

● **ما در حوزه‌های مربوط به قرآن اطلاع‌رسانی می‌کنیم.** اما امکانات را مدیران آموزش و پرورش باید تأمین کنند.

زرلکی: طرح سؤال‌های دانش‌آموزان و معلمان در نشریه لازم است و جای خالی آن احساس می‌شود اما سؤال‌ها باید درباره‌ی موضوع‌های مطرح موجود باشد. با نظرسنجی از گروه‌های آموزشی می‌توان دریافت که چه موضوع‌هایی لازم است در مجله مطرح شوند.

● **شما هم کمک بفرمایید.**

زرلکی: چند سال قبل، آقای سوزنچی سؤال‌های دانش‌آموزان را جمع‌آوری و براساس آن‌ها، پاسخ‌هایی تهیه کرد که به‌صورت مجموعه کتاب‌های «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» در پنج شش جلد چاپ و منتشر شد. همکاران از این زنجیره کتاب‌ها با علاقه و اشتیاق استقبال کردند. در حال حاضر، سؤال‌ها و شبهه‌های تازه‌ای مطرح است که پاسخ‌های تازه‌ای می‌طلبند. از ما هر کمکی ساخته است دریغ نخواهیم کرد. فقط هماهنگی لازم دارد.

شیرازی: بخشی از مجله را می‌توان به پرسمان قرآن اختصاص داد. با این شرط که آن را برای سطوح مختلف فکری در نظر بگیرید؛ یعنی در سه سطح پیشرفته، متوسط و آسان. زیرا سطح اطلاعات و دانش معلمان متفاوت است. من به‌عنوان معلمی که سال‌هاست تدریس می‌کنم. به برخی

از کلاس‌ها که می‌روم می‌بینم، سؤال‌های دانش‌آموزان به مراتب بیشتر از سؤال‌هایی است که اکنون دانش‌آموزان با معلم تازه‌کار در میان می‌گذارند. در برخی از کلاس‌ها هم کسی سؤال نمی‌کند.

کمالی: طرح سؤال و پاسخ‌گویی در مجله وقتی مفید است که شمارگان مجله را افزایش بدهید تا به دست تعداد بیشتری از همکاران برسد و آنان بتوانند از محتوای مجله استفاده کنند. شمارگان کنونی مجله گویا ۱۵۰۰۰ نسخه است که خیلی کم است. باید برای هر مدرسه حداقل یک نسخه از مجله ارسال شود تا به تحقق هدف مجله کمک کند.

شیرازی: من معلم قرآنم اما از این مجله اطلاعات اندکی دارم. باید مجله‌ای مثل رشد آموزش قرآن چنان قوی و جذاب باشد که بتواند مرا قانع کند و در یافتن پاسخ به سؤال‌ها به من مدد برساند. من باید بتوانم اطلاعات تازه‌ای از آن کسب کنم.

● **مجله می‌خواهد هر چه بیشتر به این سمت حرکت کند.** برای همین، موضوع بستۀ آموزشی را مطرح کردیم. امیدواریم بتوانیم شما را ترغیب کنیم که مجله را تهیه کنید. با این زمینه ذهنی که می‌دانید مجله به سؤال‌های شما پاسخ می‌دهد یا طرح موضوع می‌کند.

شیرازی: در این صورت «رشد» یافته است! به نظر من حجم مصاحبه در مجله زیاد است. جایی را برای خبرهای قرآنی در مجله باز کنید؛ خبرهایی که درباره قرآن در کشورهای دیگر مطرح است. اگر مجله شما خبرهای حوزه قرآنی را نداشته باشد، ترجیح می‌دهم به سراغ مجله‌ای بروم که این خبرها را در اختیارم بگذارد. خوب است شبکه‌های ماهواره‌ای قرآنی را هم معرفی کنید. می‌توان از طریق اینترنت به این شبکه‌ها وارد شد.

کمالی: صفحه معرفی سایت‌ها و مراکز قرآنی هم خوب است همیشه در مجله باشد.

زرلکی: به نکته‌ای اشاره می‌کنم که رسالت نشریه قرآنی را خیلی سنگین‌تر می‌کند. شبهه‌هایی مطرح است که وهابیت علیه شیعه القا می‌کند. ما بچه‌های شیعه در پاسخ به این شبهه‌ها یا اطلاعات لازم را نداریم یا اطلاعاتمان ضعیف است ولی این جریان خاص که شبهه ایجاد می‌کند، برنامه کاری دارد و همیشه هم به قرآن استناد می‌کند. به نظر می‌رسد مجله می‌تواند در چنین زمینه‌هایی اطلاعات لازم را در اختیار معلمان بگذارد.

● **مسائل زیادی هست که جا دارد مجله بدان بپردازد ولی ما در چارچوب کتاب درسی می‌توانیم اقدام کنیم.**

زرلکی: یکی از درس‌ها در کتاب پایه سوم شیعه‌شناسی است. لذا لازم است به سؤال‌ها و شبهه‌های مربوط پاسخ بدهیم. مجله رشد آموزش قرآن می‌تواند یکی از منابعی باشد که به سؤال‌هایی که مخالفان شیعه رواج می‌دهند، به صورت مستدل و اقناع‌کننده و قابل فهم پاسخ دهد.

عموی: به نظر لازم است با توجه به کتاب سال سوم، مجله به تاریخ اسلام توجه لازم را نشان بدهد: تاریخ اسلام قابل استناد که بحث برانگیز هم نباشد، پیدایی اسلام، چگونگی پیدایش حکومت‌ها و وضع آن‌ها و هر چیزی که به تاریخ اسلام مربوط است و با درس هم ارتباط دارد. این اقدام به همکارانی که فرصت رجوع به منابع اصیل تاریخی را ندارند کمک می‌کند تا اطلاعات خود را بیشتر کنند.

● **معضل توزیع در حوزه مکتوبات (مطبوعات و کتاب) در کشور عمومیت دارد.** لذا هم‌زمان با برآورد تقاضاهای جدید برای افزایش شمارگان، باید به حوزه توزیع نیز توجه کرد. در سه جلسه‌ای که اینجا خدمت همکاران رسیدیم، چند نفر گفتند که مجله را ندیده‌اند و از آن اطلاعی ندارند یا گفتند می‌دانند که نشریه رشد آموزش قرآن چاپ می‌شود ولی به دستشان نرسیده است. در شهرهای دیگر و از دبیران آن‌ها هم پرسیدیم، که همین جواب‌ها را دادند. **زرلکی:** بنده فصلنامه‌ای را برای همکاران در منطقه منتشر می‌کردم. برای این کار می‌نشستیم برای مثال برای شماره فصل پاییز برنامه‌ریزی می‌کردیم و نگاه می‌کردیم که معلم از آغاز مهرماه تا پایان آذرماه چه درس‌هایی را باید به دانش‌آموزان بدهد و چه موضوع‌هایی اهمیت دارد و درباره این موضوع‌ها به چه اطلاعاتی نیاز دارد. مطالب فصلنامه را بر این اساس آماده و تدوین می‌کردیم؛ یعنی توجه کافی

به مطالب مورد نیاز دبیران اساس کار ما بود. برای فصل‌های دیگر هم با این روش مجله را درمی‌آوردیم. اگر این کار را بکنید، مجله به‌روزتر می‌شود. ما هم در اطلاع‌رسانی کمک می‌کنیم و به معلمان می‌گوییم برای مثال محتوای مجله شماره پاییز رشد آموزش قرآن، با درس‌های کتاب مرتبط است.

باید مجله‌ای مثل رشد آموزش قرآن چنان قوی و جذاب باشد که بتواند مرا قانع کند و در یافتن پاسخ به سؤال‌ها به من مدد برساند. من باید بتوانم اطلاعات تازه‌ای از آن کسب کنم